

بررسی رهیافت‌ها و مؤلفه‌های تمدن‌ساز در دولت‌شهر اشعریان قم

ابراهیم احدی قور تولمش*

چکیده

اشعریان به‌عنوان اولین دولت‌شهر شیعی ایران تا قرن چهارم هجری اختیار و اراده حاکمیت را در جغرافیای قم به‌دست گرفتند و با تعاملات و رفتارهای منطقی با بومیان این منطقه توانستند به ایجاد یک فضای اجتماعی مطلوب و مشترک دست یابند. براساس بررسی منابع تاریخی و تعمیم رویدادهای مهم این دوران با الگوهای شناخته شده در علوم سیاسی می‌توان رهیافت‌های تمدن‌سازی را در حیات این خاندان احصاء نمود؛ از آنجا که یکی از مقدمات تأسیس تمدن‌ها تشکیل حکومت‌هاست این دولت‌شهر گام‌های اولیه‌ای در جریان تداوم حکومت خود برداشت که در مفهوم واقعی تلاش برای زمینه‌چینی ایجاد یک تمدن تلقی می‌گردد. لذا کوشش برای تغییر حیات اجتماعی منطقه به سمت شهرنشینی، تشکیل ساختار اجتماعی و سیاسی منظم، ترویج قوانین براساس عقود عهدنامه‌ها، رسمیت‌بخشی به مذهب تشیع، تعامل سیاسی با حاکمیت، مدارای مذهبی با هم‌کیشان و تأسیس مدارس و ترویج علوم از ملزومات تمدن‌سازی این جامعه در راستای ایجاد یک تمدن بوده که هرچند در کنش‌های سیاسی و بعد از روی کار آمدن آل بویه از کانون توجهات خارج شد اما به‌عنوان پیش‌درآمدی برای تمدن اسلامی بود که در قرن چهارم به دوران شکوفایی خود رسیده بود.

واژگان کلیدی

اشعریان، قم، تشیع، دولت‌شهر، تمدن‌سازی.

مقدمه

اشعریان برای اولین بار جامعه‌ای با هویت نسبتاً مستقل از جریان حاکم بر سرزمین‌های تحت حاکمیت خلافت عباسی در جغرافیای جبال و منطقه قم ایجاد کردند و با توجه به شاخصه‌های بدیعی که این جریان در نوع خود به وجود آورده بود، در توصیف هویت آنها می‌توان عنوان اولین دولت‌شهر شیعی را به آن اطلاق نمود. اشعریان در تدام حیات اجتماعی - سیاسی خود که تا قرن چهارم ادامه داشت در عین حال که ایدئولوژی حاکم بر تمام اقصا نقاط جهان اسلام، یعنی تسنن را کنار گذاشتند، تشیع را به‌عنوان یک مذهب رسمی در دولت‌شهر خود به رسمیت شناخته و از نظر سیاسی نیز ضمن تعامل نسبی با دستگاه خلافت هر چند داعیه‌گری استقلال و ادعای حکومت مستقل نداشتند اما با راهبردهای مدیریتی خود بر فضای اجتماعی و سیاسی جغرافیای قم توانستند الگوهای یک حکومت تمام عیار را دنبال کنند.

مسئله مورد توجه تحقیق این است که همین الگوی رفتار سیاسی اجتماعی اشعریان که به‌عنوان یکی از حلقه‌های اولیه مجموعه تحولات شیعیان از قرن سوم آغاز و تا قرن چهارم هجری استمرار یافته است؛ تا چه حدی بر اسلوب مدیریتی آنها در انتظام‌بخشی و یا زمینه‌سازی برای ایجاد سازمایه‌های تمدنی تأثیرگذار بوده است؟ برخی اقدامات و دستاوردهای حکومتی آنها ویژگی‌هایی از مؤلفه‌های تمدن‌ساز را دنبال می‌کند که ذهن پژوهشگر را با این مسئله مواجه می‌سازد که آیا اقدامات و تحولات ایجاد شده توسط اشعریان در راستای تمدن‌سازی بوده است یا خیر و یا اینکه چه شاخصه‌هایی از حکومت آنها می‌تواند در قالب یک یا سلسله اقداماتی در راستای تمدن‌سازی و ایجاد دولت‌شهر جدید در منطقه قم تلقی گردد. در بررسی پیشینه پژوهش‌های موجود پیرامون حیات سیاسی و اجتماعی اشعریان و یا حتی در خصوص مکاتب فقهی و اندیشه‌های اعتقادی آنها به تفکیک از جریان‌های شیعه زیدی، امامی و اسماعیلی کارهای برجسته‌ای انجام شده که در قالب کتاب و مقاله منتشر شده است. به‌عنوان مثال کتابی شاخص با موضوع اشعریان با عنوان *اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعه* اثر محمدعلی حیدرلک و یا پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقش خاندان اشعری در گسترش معارف شیعه در قرون سوم و چهارم» از همین مؤلف بیشترین توجه را به خاندان اشعری و کنش‌های اجتماعی و سیاسی آنها داشته است. در خصوص ردیابی رفتارهای تمدن‌سازی اشعریان رساله‌ای با عنوان «وضعیت و نقش قم در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی از قرن دوم تا پایان قرن چهارم هجری» اثر محمد زاهدی‌مقدم نیز این مبحث را مورد کنکاش و پژوهش قرار داده است. همچنین کتاب *فرهنگ و تمدن اسلامی در قم قرن سوم هجری* اثر محمدرضا پاک نیز اثر جامع و کار مفیدی در خصوص وجوه تمدنی و فرهنگی شهر قم در قرن سوم می‌باشد. اما منبع مهم و اساسی در خصوص محدوده جغرافیایی مورد نظر کتاب

تاریخ قم می‌باشد که به‌عنوان یک اثر ارزشمند اطلاعات بسیاری در خصوص وقایع تاریخی و محلی این قبیله را در جغرافیای مورد نظر ترسیم می‌کند. هرچند اصطلاح تمدن‌سازی را شاید بتوان اصطلاحی نوین تلقی نمود و شاید اشعریان در سیاست‌های خود هرگز دنبال این مفهوم نبوده‌اند اما ردیابی رفتارهای سیاسی اجتماعی آنها بیانگر ایجاد تحولاتی بدیع و منحصربه‌فرد و گامی در راستای تمدن‌سازی و گامی رو به جلو به سمت تمدن داشته است.

بررسی الگوی حیات سیاسی اجتماعی آنها در قالب یک دولت‌شهر زمینه‌هایی برای ایجاد تمدن را بیان می‌دارد، اشعریان هرچند ناخواسته برخی اقدامات و سیاست‌هایی را مانند شهرسازی، اهتمام به دیوان و ادارت، ترویج دانش و ... در پیش گرفته‌اند که ویژگی‌های تمدن‌ساز را دارد.

روش تحقیق

به مانند عمده مطالعات تاریخی، این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود. پس از جمع‌آوری داده‌های پژوهشی که از کتابخانه‌ها و اسنادی مکتوب به دست می‌آید، به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در پرتو مسئله، سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق مبادرت می‌شود. ضمن تبیین موضوع و ارائه تاریخچه مختصر از اشعریان به بررسی کنش‌ها، تعاملات و اقدامات این خاندان در زمان به دست‌گیری قدرت خواهیم پرداخت و از این رهگذر به ارائه و احصای زمینه‌های ایجاد شده توسط آنها در امر تمدن‌سازی اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است منبع مفید و بسیار ارزشمند **تاریخ قم** تألف حسن بن محمد اشعری قمی یکی از منابع اصلی مقاله برای تشریح روند پیشرفت‌ها و دستاوردهای اشعریان در دولت‌شهر قم مورد توجه ویژه است.

یافته‌ها

اولین حکومت مستقل در جغرافیای ایران حتی قبل از حکومت طاهریان که بنای استقلال از حاکمیت مطلق خلافت عباسی را گذاشت، دولت‌شهر شیعی اشعریان بود که به تأسیس یک نظام اجتماعی - سیاسی جدید در بطن سرزمین‌های تحت سیطره خلافت نائل شدند و نظام حکومتی آنها متأثر از اندیشه‌های شیعی و اراده خاندان اشعری بود. آنها توانستند با برخی اصلاحات اجتماعی و روی آوردن به زندگی شهری و تأسیس مساجد و مدرسه‌ها و ترویج علوم و تربیت دانشمندان، قدمی مؤثر در تمدن‌سازی بردارند، اقداماتی که به‌عنوان یک جریان اجتماعی شیعیه اولین و مؤثرترین حرکت‌های تمدن‌سازی تلقی شده و زمینه‌ساز تحولات و پیشرفت‌های بعدی شدند؛

خلاصه یافته‌های تحقیق:

۱. اشعریان به‌عنوان یک دولت‌شهر در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران نقش‌آفرینی مستقلی داشتند.
۲. دولت‌شهر شیعی اشعریان بخشی از بدنه خلافت عباسی نبوده و دستاوردهای تمدنی آنها متأثر از راهبردها و اندیشه‌های خودشان بوده است.
۳. با توجه به تمایزات مذهبی آنها با کل سرزمین‌های خلافت عباسی؛ مجموعه حکومتی آنها مانند جزیره‌ای مستقل، نه تنها منزوی نشد بلکه به‌واسطه رهیافت‌های تمدن‌ساز توانست به پیشرفت‌های مؤثری دست یابد.
۴. گذار از زندگی بدوی به شهرنشینی، توسعه کشاورزی و اقتصاد، تمرکز ایدئولوژیک و رسمیت دین، ترقی آموزش و علم و راه اندازی نظام اولیه دیوانی از اقدامات برنامه‌های تمدن‌ساز اشعریان تا قرن چهارم است.

تأسیس دولت‌شهر اشعریان در قم

دولت‌شهر، حاکمیتی است که دامنه استیلا و اعمال قدرت آن فقط در یک جغرافیای محدود مثل یک شهر و مناطق اطراف آن باشد. این مفهوم در واقع یک سیستم سیاسی متشکل از یک شهر مستقل است که بر قلمروهای همجوار حاکمیت دارد و به‌عنوان مرکز و رهبر حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عمل می‌کند. این اصطلاح در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان به‌وجود آمد و به‌ویژه در مورد شهرهای یونان باستان، فنیقیه و ایتالیا و شهرهای ایتالیای قرون وسطی به کار رفت.^۱ اندیشه دولت‌شهر به سده‌های هشتم و هفتم پیش از میلاد باز می‌گردد و نمونه بارز و شناخته شده آن دولت‌شهر یونان است که البته در آن قدرت سیاسی اجتماعی نه در اختیار یک فرد یا خاندان بلکه در مقیاسی از اراده عامه مردم بوده است.^۲

شاخصه‌های جغرافیایی، اقتصادی، بازرگانی و منافع سیاسی در ایجاد و پیدایش دولت‌شهرها بسیار مهم بود. برای شناخت دولت‌شهر و ویژگی‌های آن باید عوامل سیاسی و اجتماعی هر منطقه‌ای را مورد مذاقه قرار داد، لیکن مهم‌ترین ویژگی تداوم حیات یک دولت‌شهر، حاکمیت نظم و انسجام مدیریتی حاکمان است. معمولاً در درون یک مجموعه دولت‌شهر، نظم اجتماعی حاکم است و این نظم یا ناشی از شخصیتی کارآمد یا وابسته به قدرت سیاسی است که عناصر متعارض و متضاد اجتماعی را نظم می‌بخشد و یا به اراده یک ساختار حکومتی منسجم بر می‌گردد. در واقع نظم اجتماعی دولت‌شهر قوانینی میان

1. Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2022, May 22), city – state.

۲. فاستر، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ص ۲۱.

قدرت همه شهروندان ایجاد کرده و انسجام اجتماعی بر اساس الگوی حکومتی واحد را محقق می‌سازد.^۱ چنانچه ارسطو در کتابش به این عقیده معتقد است که کشور پرجمعیت به آسانی اداره نمی‌شود و کشورهایی که متمدن و پیشرفته‌اند جمعیت زیادی ندارند؛ چون قانون زائیده نظم است و نظم را نمی‌توان میان عده بی‌شماری از مردم برقرار ساخت.^۲

در تاریخ اسلام مصادیقی از شکل‌گیری دولت‌شهرها با این ویژگی‌ها وجود دارد که شاید مهم‌ترین و کهن‌ترین برداشت از دولت‌شهر اسلامی؛ دولت‌شهر پیامبر در مدینه بوده که قبل از گسترش دامنه حکومت گسترده اسلامی در مقیاسی محدود در جغرافیای یثرب و اطراف آن برای مدتی محدود تحقق پیدا کرد. هرچند در اثر رویدادهای مهم بعدی این حکومت از مرزهای شبه‌جزیره نیز فراتر رفته و منجر به پیدایش تمدن عظیم و جهانی اسلامی شد؛ اما سال‌های نخستین حکومت نبوی در مدینه بر اثر شاخصه‌هایی چون استقرار قانون، تعیین سطوح شهروندان (مسلمانان شامل انصار و مهاجرین و اهل کتاب)، بنای مسجد، مشارکت‌دهی شهروندان در تصمیمات حکومتی، ایجاد امت واحده، نظم‌بخشی به قبایل، ساختاربندهی اجتماعی و ...^۳ به‌عنوان یک الگوی موفق از دولت‌شهر را تجربه کرده است.

بعد از گسترش فتوحات اسلامی و نشر مبانی و معاریف این آیین آسمانی در سرزمین‌های مختلف، جریان اندیشه شیعی نیز به فراخور روش‌های مختلف مانند دعوت، وکالت، قیام و مهاجرت در سرزمین‌های مختلف گسترش پیدا کرد که در این میان نقش مهاجرت قبایل شیعی و خصوصاً سادات علوی به مناطق شرق سرزمین‌های خلافت عباسی در قرون نخست هجری برجسته‌تر بوده است.

اشعریان نیز یکی از خاندان‌های مهاجر وارده به ایران؛ از قبایلی بودند که در سده نخستین هجری به فراخور شرایط سیاسی اجتماعی ناشی از فتوحات به سمت سرزمین‌های تازه فتح شده وارد شدند.^۴ آنها از قبایل ساکن در جنوب عربستان و سواحل غربی یمن بودند.^۵ نسب آنها به فردی به نام «نبت بن ادد بن زید بن یشجب بن عریب بن زید بن کهلان بن سبأ» می‌رسید.^۶ مهم‌ترین شاخه آنان اینکه گروهی بودند که به رهبری ابوموسی در عراق ساکن شدند و در فتح ایران شرکت کردند^۷ و بدین وسیله پای آنها

۱. دلپاک، «دولت‌شهر آتب و نگرشی بر تکامل فکری و سیاسی و اقتصادی آن»، *پژوهشنامه تاریخ*، ش ۴۷، ص ۱۱۷.

۲. ارسطو، *سیاست*، ص ۲۹۲.

۳. نک: روحانی، *تاریخ تحلیلی صدر اسلام*، ص ۸۶ - ۷۷.

۴. ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۳۹۷.

۵. اشعری قمی، *تاریخ قم*، ص ۷۹۴.

۶. کلبی، *نسب معد و الیمن الکبیر*، ص ۳۳۹.

۷. ابن خیاط، *تاریخ*، ص ۷۴.

به واسطه فتوحات به مناطق جبال کشیده شد.^۱ منطقه قم در آن زمان از توابع اصفهان و بخش مهمی از منطقه جبال بوده^۲ و بدین ترتیب قم هم‌زمان با اصفهان فتح شد و اعراب بنی‌اسد از اولین دسته‌های عرب بودند که در جمکران قم سکونت گزیدند.^۳ البته تنها انگیزه و دلیل حضور اشعریان در قم صرفاً همراهی با فتوحات نبوده و به‌خاطر گرایش‌های شیعی این خاندان به‌واسطه حمایت‌هایی از قیام‌های ضد اموی، مغضوب حجاج واقع و مجبور به هجرت به سمت منطقه قم شدند.^۴

حضور این خاندان در منطقه قم و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها با بومیان نهایتاً منجر به کسب قدرت سیاسی آنها گردید که به‌دست‌گیری حاکمیت آنها تا قرن چهارم هجری را به‌دنبال داشت. با توجه به تسلط خلافت سنی عباسیان بر جهان اسلام، به رسمیت شناختن اشعریان شیعی توسط آنها با چالش‌هایی مواجه شد،^۵ اما مواضع سیاسی، روش‌ها و رفتارهای این خاندان، بر اساس شرایطی مدیریت شد که تا قرن‌ها حاکمیت این منطقه را به دست گرفته و این منطقه یکی از مهم‌ترین مراکز تمرکز جغرافیایی حضور شیعیان مهاجر در ایران در قرون اولیه در منطقه جبال گردید. اشعریان با حضور در قم ترکیب اجتماعی این شهر را به نفع خود تغییر دادند و این شهر را به‌عنوان یکی از شهرهای مهم شیعه در ایران بدل کردند. آنها توانستند بعد از مهاجرت الگوهای برآمده از عصبیت را برای مدت‌های طولانی در این منطقه حفظ کنند و شاید رمز ماندگاری آنها به‌عنوان یک هویت واحد همین بود.

تداوم حضور و حاکمیت اشعریان نیازمند اتخاذ مؤلفه‌های خاص حکومتی بود که آنها با استفاده از فرصت‌ها و علی‌رغم وجود محدودیت‌ها اقداماتی در راستای دولت‌سازی و ایجاد مؤلفه‌های یک تمدن را در دستور کار قرار دادند که در این پژوهش به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

گذار به زندگی شهری

شهرها و ساختارهایی که در تعالی زیست فردی و اجتماعی انسان تأثیر می‌گذارند در واقع مکان و بستر ظهور و شکوفایی تمدن هستند، چنانچه در تعاریف ابتدایی تمدن را گذار انسان از زندگی بدوی به سمت شهرنشینی بدانیم،^۶ مسلماً خود شهر از وجوهات برجسته پیشرفت تمدنی خواهد بود. بنیان‌نهادن شهرهای

۱. اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۸۲۱ - ۸۲۰.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۰۶.

۳. اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۱۱۶.

۴. ابوالفداء، تقویم البلدان، ج ۱، ص ۴۷۰.

۵. اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۲۷۹.

۶. ابن‌خلدون، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر، ص ۱۷۲.

بزرگ جز به نیروی دولت امکان نمی‌یابد و برابر نظر ابن‌خلدون «شهرها جایگاه‌های اقامت و قرارگاه‌هایی است که ملت‌ها آنها را پس از رسیدن به کمال مطلوب و توانگری و انگیزه‌های آنها برمی‌گزینند و به آرامش و سکونت (کوچ نکردن از این سوی بدان سوی) می‌گرایند»^۱.

معمولاً ایده‌های پیشرفت و خاستگاه‌های تکنولوژی در محیط شهرها و بر اساس مختصات فرهنگی و علمی آنها بوده است. مکتب اسلام و آموزه‌های آن، شهر را مکان مطلوب تحقق حیات طیبه انسانی معرفی می‌کند. حدیث معروف «عَلَيْكُمْ بِالسَّوَادِ الْأَعْظَمِ» از پیامبر ﷺ^۲ نیز این نظر را تأیید می‌کند و خلیفه اول در انتخاب والیان، شهرنشینان را بر بادیه‌نشینان برتری می‌داد. وی می‌گفت: «به خدا سوگند صواب آن باشد که شهرنشینان بر بادیه‌نشینان حکم‌فرمایی کنند»^۳.

اشعریان بعد از ورود به منطقه قم، مدتی در خیمه‌هایی از جنس موی بافته شده بزرگ سکونت داشتند. سپس به استقرار در روستاهای قم روی آورده و به تدریج، به ساختن سرپناه و خانه روی آوردند و طی چند سال، همگی در منازل مسکونی مستقر شدند. کثرت جمعیت آنها و ازدیاد ثروت و افزایش بردگان و کارگران و مهاجرپذیری آنها سبب شد تا روستاهای متعدد (هفت‌گانه) پذیرای حضور آنها شوند که رفته‌رفته با وسعت یافتن این روستاها فواصل سکونتگاه‌ها به همدیگر نزدیک و موجبات ایجاد یک شهر فراهم شد.^۴ ساکنان قم و دهکده‌های اطراف آن تا اواخر سده نخست و اوایل قرن دوم هجری، عموماً زرتشتی و دهقان بودند هرچند بخش‌های اعظمی از مناطق قم و اطراف آن در واقع از ولایت اصفهان محسوب می‌شدند، در آیین و سبک زندگی مردم این منطقه تمایل به گله‌داری و کشاورزی موردتوجه و ستایش عموم بود.^۵ ریاست محلی و مذهبی دهکده‌های مذکور در دست شخصی به نام «یزدان فاذاار» بود که برای حراست و دفاع از این منطقه، در مقابل راهزنان دیلمی، حصارهایی ساخته بود.^۶

مؤلف تاریخ قم می‌نویسد:

مهاجرت گسترده اعراب اشعری به قم همراه با اقداماتی بود که آنها برای کسب سلطه کامل بر همه منابع مالی و اقتصادی مردم بومی قم انجام دادند، به‌نظر می‌آید ثروت کلان حاصل از راه فروش املاک و مستغلات این قوم در کوفه، و ارزانی قیمت غلامان و

۱. ابن‌خلدون، *المقدمه*، ص ۱۸.

۲. ابن‌ماجه، *سنن*، ج ۲، ص ۱۳۰۳.

۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۳۳۹.

۴. اشعری، *تاریخ قم*، ص ۴۴.

۵. فرای، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، ج ۴، ص ۱۵۷.

۶. اشعری قمی، *تاریخ قم*، ص ۹۲ - ۹۰.

بردگان، و وضعیت زمینه‌ای قابل کشت، آنان را به استفاده از نیروی انسانی پیرامون خود در راه توسعه کشت و زرع واداشت، از این‌رو در مدت کوتاهی به اربابان و زمین‌داران قدرتمندی تبدیل شدند.^۱

اشعریان با تغییر الگوهای اجتماعی منطقه و گذر از شکل سکونت پراکنده به جامعه شهری به ایجاد تحولات بزرگ اجتماعی این منطقه دست یافتند. آنها با تجمیع سکونتگاه‌ها و ایجاد یک سکونتگاه مجتمع (متمرکز) به نام کمیدان در پی ساخت یک جامعه نوین برآمدند.^۲

گسترش شهرها و روی‌آوری به شهرنشینی از پیامدهای مؤثر و مهم مهاجرت بود؛ در شرایطی که آیین زرتشتی فضایل کشاورزی و گله‌داری را می‌ستود، نظام اجتماعی اسلام به‌سوی شهر‌گرایی داشت.^۳ با آغاز شهر شدن قم، گروه‌هایی از مردم، عمده از اشعریان مهاجر و جز آنان از برخی قبایل عرب بدان روی آوردند و در آن سکونت گزیدند. برابر گزارش مؤلف کتاب *تاریخ قم*، همدلی، انس و دوستی میان آنان، عامل مهمی در آبادانی شهر و توسعه آن بود، به‌طوری‌که در کمتر از یک سده، برخی پیشرفت‌ها از قبیل احداث مساجد، حمام، سرا، کوشک، باغ و بستان، کاریز و جویبار، آسیاب و جز اینها از دیگر تأسیسات در این شهر مشاهده شد.^۴

اهمیت این شهر بدان پایه می‌رسد که نویسنده *تاریخ قم*، در سال‌های میانی قرن چهارم هجری به (ذکر سراهای خراج، دار الضرب، سراهای والیان و حاکمان و زندان‌ها می‌پردازد، که نشان از وسعت و پهناوری قم و افزایش خانواده‌های ساکن در آن و فزونی جمعیت است؛ که مستلزم ساختن دار الضرب، دار الحکومه و زندان می‌باشد. ابن‌أحوص اشعری، از اعیان و بزرگان خاندان اشعری در قرن دوم هجری بر اساس رسم اسلاف خود به بنای مسجد اقدام کرد که به مسجد سعد آبادی مشهور بود، و مدتی در آن نماز جمعه نیز برگزار می‌شد.^۵

توسعه شهر قم و پیشرفت امکانات و منابع موجود بر اثر اقدامات و حضور مؤثر اشعریان این منطقه را در حد یک شهر بزرگ ظاهر ساخت و همین توسعه باعث استقلال آنها از اصفهان شده و با ایجاد منبر و نماز جمعه برای آنها جایگاهی ایجاد کرد تا توجه خلافت عباسی را برای تخصیص این شهر به‌عنوان

۱. همان، ص ۹.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. فرای، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، ج ۴، ص ۱۵۷.

۴. اشعری قمی، *تاریخ قم*، ص ۲۷.

۵. همان، ص ۱۱۰.

۶. حسینی قمی، *خلاصه البلدان*، ص ۱۷۲.

یک اقطاع به اشعریان که بازیگران سیاسی - اجتماعی عمده این شهر بودند جلب نماید که این امر خود زمینه و مقدمه‌ای برای تکاپوی دولت‌گونه اشعریان در منطقه قم بود.

توسعه اقتصاد و کشاورزی

تولید و تراکم ثروت از الزامات هرگونه پیشرفت تمدنی است و شهرها منبع و جایگاه اصلی تولید و تراکم آن هستند؛ شاید در امر توزیع در حالت نابرابر قرار گیرند اما صنایع، خدمات و تجارت به‌عنوان منابع اصلی توسعه ثروت در شهرها محسوب می‌شود. توجه بومیان منطقه قم در عهد ساسانی به زندگی شهری اندک بود و عمده روی‌آوری به زندگی شهری بعد از حضور اشعریان در این منطقه مرسوم شد. بنابراین تمرکز فعالیت‌های اولیه اقتصادی تأمین معاش مردم بر گله‌داری و کشاورزی بود. یکجانشینی انسان را ناگزیر بر متمرکز کردن و توسعه منابع و تسهیل تأمین آن می‌کند. کشاورزی به‌عنوان مهم‌ترین منبع معاش منطقه جبال بود و قم نیز از این قاعده مستثنی نبود و در راه ایجاد تسهیلات برای انجام امور زراعی ضرورت وجود آب از هر موضوع دیگری حیاتی‌تر بود. در عهد ساسانی برای توسعه کشاورزی، تأسیس و راه‌اندازی تعدادی قنات و کاریز انجام شده بود. اما معمولاً بر اثر گذر زمان معیوب شده و بعضاً سازه‌های آنها تخریب و آثار آن ناپدید شده بود. با حضور اشعریان در قم بسیاری از این کاریزها بازسازی و آب آنها برای مصرف اهالی روان گردید.^۱ تداوم حیات اشعریان می‌توانست بر پایه‌های کشاورزی و زراعت استوار بماند به همین خاطر این موضوع مورد توجه و اهتمام اشعریان واقع شد. بنا به نوشته *تاریخ قم* نخستین کسی است که نهری را از رودخانه قم به سمت مشرق قم حفر نمود و جاری کرد سعد بن مالک بود. او آب را به روستایی در آنجا برد (و اقدام به احیاء و کشت زمین‌های آن نمود) و این روستا به روستای سعدآباد مشهور شد.^۲

برخی از اقدامات و برنامه‌های اجرایی در جامعه جدید اشعریان، زمینه‌سازی لازم برای تعالی تمدنی و پیشرفت آنها را فراهم ساخت. در امر توسعه امور اقتصادی در تاریخ قم شاهد فعالیت ضرابخانه در این شهر هستیم که با توجه به اهمیت موضوع و جایگاه ضرابخانه در حکومت، این تأسیسات معمولاً در مراکز مهم شهری و یا بعضاً پایتخت دولت‌ها مستقر می‌شد. سابقه راه‌اندازی ضرابخانه و انتقال دانش آن از اصفهان به قم^۳ بیانگر ترویج امر تجارت و استفاده از وجوه رایج عهد آنها بوده است که علاوه بر آنها وجود بازار در قم و ترویج معاملات^۴ نیز بنا به گزارش مؤلف *تاریخ قم* و همچنین فعال بودن صرافی‌ها و

۱. اشعری قمی، *تاریخ قم*، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۱۲۰.

۴. همان، ص ۱۰۹.

تجارت محصولات دامی و کشاورزی در رشد و شکوفایی برخی از مشاغل و اصناف شهری و روی آوری به سبک زندگی نسبتاً مدرن را مشخص می‌سازد. به واسطه اینکه محوریت کار و اقتصاد اهالی این منطقه دامداری و کشاورزی بوده است گندم، جو، نخود، انگور، فندق، زیتون، گردو، پسته، زعفران، هویج، سلجم، پیاز، سیر و انواع سبزی‌ها و میوه‌های درختی و جالیزی، کنجد، زیره و انواع علوفه از جمله محصولات این منطقه بوده است.^۱

توسعه فرایند معاملات به خارج از منطقه و به اصطلاح صادر نمودن محصولات به واسطه دستیابی به برخی ابزار و روش‌های صنعتی از قبیل استخراج نمک^۲ و توسعه فراوری غلات در قالب راه‌اندازی مجموعه‌های آسیاب نیز از دستاوردها و اقدامات اشعریان برای ارتقای سطوح مدنیت در شهر قم بوده است. ساخت و توسعه محصولات غیرزراعی و روی آوری به صنایع دستی و توسعه کارهای صناعی از قبیل ساخت کرسی، لگام، رکاب، پارچه و زعفران مهم‌ترین اقلامی بوده که علاوه بر تولید و استفاده معمول در این منطقه به‌عنوان اقلام صادراتی قم شناخته شده است.^۳

ایجاد پشتیبانی اقتصادی و تولید ثروت اشعریان در اهتمام به رونق کشاورزی و راه‌اندازی برخی مشاغل و سازمابه‌های صنفی همچنین ارتقای وجوه تمدنی قبلی که به واسطه میراث تمدن ایران کهن بر جای مانده بود با الگوی سیاست اجتماعی اشعریان یعنی شهرنشینی پیوند خورد و موجبات تعالی جامعه واحد و یکدست را ایجاد کرد که به واسطه وحدت اجتماعی آنها شرایط و زمینه مناسبی برای رونق بخشی به دولت - شهر اشعریان ایجاد گردید.

تمرکز ایدئولوژیک و رسمیت مذهب

اعتقادات و باورهای مذهبی کانون یا هسته اصلی زندگی مسلمانان را تشکیل می‌داده است، با روی آوری مسلمانان به شکل زندگی شهری، ضرورت داشتن وحدت و نظام بخشی به مبانی اعتقادی از الزامات اساسی ایجاد وحدت و نظم بخشی به انسجام و تمرکز در زندگی شهری بود.

یکی از شاخصه‌های بسیار مهم جامعه اشعریان قم ترویج مذهب تشیع به صورت رسمی در منطقه قم بود، امری که از همان قرون اول تا امروز این شهر را جزء پیشتازان و قدمای گرایش و گروه به مذهب تشیع و مرکز نشر و گسترش معاریف این مذهب نموده است. گرایش‌های شیعی خاندان اشعری به دوران حضور این خاندان در کوفه برمی‌گردد که مالک بن عامر و فرزندش سائب بن عامر گرایش‌های فکری به

۱. نک: همان، ص ۳۰۱ - ۲۹۹ و ۳۱۲ - ۳۱۰.

۲. همان، ص ۲۱۸.

۳. مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۹۲.

مکتب حضرت امیرالمؤمنین داشته و در جنگ صفین نیز در رکاب وی بوده‌اند.^۱ سائب بن عامر نیز بعدها در قیام مختار به همراه وی به شهادت رسید.^۲ خاندان همین مالک در سال ۸۳ هجری به دلیل حمایت از قیام عبدالرحمن بن اشعث بر علیه خلیفه اموی، مورد غضب حجاج واقع شده و مجبور به ترک کوفه و مهاجرت به قم شدند.^۳ بدین وسیله با ردیابی سابقه تکاپوهای این خاندان؛ گرایش و علقه آنها به تشیع علوی خاستگاه قوی دارد و در تداوم حضور و حیات سیاسی آنها ارتباط با فرزندان امام علی علیه السلام به عنوان پیشوایان شیعی مشهود است.

با قدرت یافتن این خاندان بر اثر اقدامات سیاسی اجتماعی و همچنین تداوم اقتدار آنها در دولت - شهر قم این ارتباط ادامه داشته و اجرای شریعت و مناسک و آداب شیعی در جامعه جدید مرسوم گردیده است. بزرگان و رهبران خاندان اشعری که در موارد بسیاری از فقها و محدثان بزرگ امامی و اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام نیز بودند و در واقع حتی بعد از اعلام اقطاع‌داری خلیفه عباسی؛ حاکمان واقعی دولت‌شهر قم همین رجال شیعی بودند. با اینکه این دولت‌شهر مشروعیت و رسمیت حکومتی از جانب دولت عباسی دریافت کرده بود؛ اما نمایندگان دستگاه خلافت در حد سفرا بودند و در ساختمان‌هایی در خارج از شهر سکونت داشتند و هم برای خلافت عباسی و هم برای اهل قم مشخص و روشن بود که در بسیاری از مناسبات سیاسی و اجتماعی، این خاندان بر اساس الگوهای رفتاری و مواضع شیعی عمل می‌کردند. مذهب رسمی و آشکار شهر قم تشیع امامی بود و در انجام فرایض و امور دینی، به هیچ‌وجه تقیه و کتمان در میان نبود. قاضیان و کارگزاران دینی شهر تا زمان خلافت المکتفی (۲۸۹ ق) از سوی بزرگان اشعری انتخاب می‌شدند.^۴ قدرت رجال مذهبی و فقها به حدی بود که آنها حتی در خصوص اینکه چه کسی حق ماندن و سکونت در قم را دارد و چه کسی باید از این شهر خارج شود اظهارنظر می‌کردند.^۵ شیعیان قم در بیعت با امامان اثنی عشری علیهم السلام متحد بودند و در میان محدثان امامی فراوان این شهر، از کسی با انحرافات فطحی یا واقفی یاد نشده است، بر خلاف جامعه شیعیان کوفه که از همه اقشار فرق مثل زیدیه، افضحیه، اسماعیلیه، واقفیه و امامیان بود.^۶ اهل قم از ارتباط مستحکم و عمیقی با ائمه هدی علیهم السلام برخوردار بودند. این رابطه تا پایان غیبت صغرا ادامه داشت و در هیچ مقطعی نیز گسسته نشد.^۷

۱. طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۴، ص ۴۴۹؛ اشعری قمی، *تاریخ قم*، ص ۲۷۱.

۲. طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۶، ص ۹.

۳. ابوالفداء، *تقویم البلدان*، ص ۴۷۳.

۴. اشعری قمی، *تاریخ قم*، ص ۸۶۳.

۵. نک. نائینی، *انوار المشعشعین*، ج ۳، ص ۷۶.

۶. مادلونگ، *فرقه‌های اسلامی*، ص ۱۳۱ و ۱۳۳.

۷. حسینیان مقدم، *تاریخ تشیع*، ص ۱۷۵ - ۱۷۲ و برای مطالعه بیشتر ن. ک: جعفریان، *تاریخ گسترش تشیع در ری*، ص ۱۲۰.

یکی از دلایل مهم تسامح دستگاه خلافت با تشیع اشعریان و اهل قم، شاید نفوذ و قدرت برخی از افراد نامدار این خاندان در مناصب طراز اول حکومت و دستگاه و دربار خلافت بود. از افراد صاحب منصب و قدرتمند اشعری می‌توان به؛ یحیی بن عمران اشعری از سرداران معتصم،^۱ ابوعبیدالله اشعری وزیر مهدی عباسی،^۲ ریّان بن صلت اشعری از مقریان مأمون و اصحاب امام رضا و هادی علیهما السلام و علی بن عیسی اشعری مشهور به «الطلحی» از امرای مأمون، اشاره کرد.^۴

اشعریان ضمن اتخاذ سیاست محتاطانه و تعامل نسبی با دستگاه خلافت مانند جریان‌های شیعی زبیدیه و اسماعیلیه هرگز با آنها وارد چالش‌های نظامی و ایدئولوژیک رسمی نشدند و به‌نظر می‌رسد رفتار مستقل درعین حال توأم با مدارای ظاهری آنها با نظام حاکم سرزمینی (خلافت سنی) هرگز به تقابل و عدوات جدی از جنس دیگر جریان‌های شیعی منجر نشد. از طرفی جایگاه اجتماعی که اشعریان بر اثر رفتار با بومیان و پذیرشی که از آنها گرفته بودند دارای انسجام و پیوستگی بیشتر و مستحکم بود و دستگاه خلافت نسبت به این جایگاه مطلع بوده است. در حقیقت قوام تشیع اشعریان در گروهی اقتدار سیاسی و انسجام اجتماعی درون جامعه کوچک آنها بود و نظام دولت‌شهری اشعری در تمام سطوح اجتماعی این مثنوی مذهبی و حکومتی را پذیرفته بود.

اولین و عظیم‌ترین جریان استقلال‌طلبی اجتماعی تشیع در ایران متعلق اشعریان است. قبل از حضور این قبیله هیچ تکاپوی اجتماعی به این جدیت و گستردگی در هیچ یک از شهرهای ایران رخ نداده بود. تمام جنبش‌های شیعیان تا این زمان چون شهابی در سپهر سیاسی مناطق سرزمینی ایران درخشیدند و بعد از مدتی ناپدید شدند؛ اما جریان اشعری‌ها چهارچوبی ماندگار ایجاد کردند و در مجرای تمدن‌سازی به تکاپویی گسترده دست زدند. این شهر در زمان حیات ائمه معصومین علیهم‌السلام به شدت پاسدار مکتب تشیع امامی بود و شاگردان ائمه و نخبگان شیعی زیادی در این شهر فعالیت داشتند و تعداد آنها بالغ بر ۲۶۶ نفر بوده است.^۵ در دورانی که شیعیان در تعقیب و گریز عباسیان بودند، این خاندان رسماً و علناً اقدام به شیعه‌گری نموده و در یک جغرافیای کوچک این مذهب را به‌مثابه مذهب رسمی منطقه اعمال کردند. ایجاد یک سیستم منسجم سیاسی و یک ملت شیعه در جغرافیای خاص که برای قرن‌های آینده و تا امروز به عنوان یک نقطه عطفی تلقی می‌گردد و قم را در جهان اسلام به یک مرکز علمی و مذهبی تشیع بدل

۱ اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۷۸۳.

۲. نک: دیانت، مدخل «ابوعبیدالله»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۶۹۶.

۳. مهاجر، رجال الاشعریین من المحدثین و اصحاب الائمة، ص ۷۳ و ۷۴.

۴. همان، ص ۱۱۷.

۵. اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۳۵ - ۳۴.

کرده است. این قبیله توانستند بر اساس ساختار اجتماعی جدید با ایجاد تعامل با بومیان و درعین حال رعایت جوانب ملاحظات دولت مرکزی و معیار قراردادن آئین تشیع بر بقای حیات سیاسی اجتماعی خود تا چند دهه ادامه بدهند.

بومیان منطقه قم بر اساس شاخصه مذهب و سلوک اشعریان آماده پذیرش آنها شده بودند و اشعریان نیز اگر بر اساس الگوی مذهبی معمول (دستگاه خلافت سنی) حکمرانی می‌کردند، در واقع هیچ استقلال‌ی در کار نبود و جنبه‌ای از جامعه دولت‌شهر شکل نمی‌گرفت؛ لذا وجه تمایز اشعریان رسمیت‌دهی به مذهبی بود که گرایش خاندانی به آن داشتند و به‌نحوی مورد قبول حکومت عباسی نبود. همین تمایز قائل‌شدن به این جریان اجتماعی آنها را در یک واحد مستقل و دارای یک هویت مجزا مطرح ساخت.

بنابراین، اولین استقلال نسبی و تشکیل یک واحد دولتی شیعه در جغرافیای مناطق شرقی خلافت جهان اسلام در منطقه قم شکل گرفت و برای اولین بار مناسک شیعی در بین عموم مردم مرسوم شد و با اینکه تشیع سیاسی در مناطقی چون ری، طبرستان و خراسان در پی قیام‌های متعدد و شبکه دعوت اسماعیلی در حال تکاپو و گسترش بود، اما تشیع اعتقادی امامیه در منطقه قم با سطوح متعالی‌تر در حال تکوین و تنظیم اصول اولیه خود برای تبدیل‌شدن به یک مکتب بزرگ بود.

ترقی آموزش و علم

ارزش‌های فرهنگی، نوآوری‌های علمی و تکنولوژیک معمولاً در محیط شهرها به مراتب زودتر از دیگر محیط‌ها ظهور و بروز پیدا می‌کند و این تغییرات به‌همراه خود پیچیدگی و تنوع بیشتری را در روابط، مناسبات و مختصات رفتار و عمل فردی، اجتماعی و نهادی - سازمانی به‌ویژه در عرصه امنیت و انتظام اجتماعی ایجاد می‌کند. ویژگی مهم تمدن اسلامی توجه به علم و دانش و توجه ویژه به دانشمندان است. اسلام از همان ابتدا به حمایت از علم و دانش برخاست و تحصیل علم را برای هر فرد لازم شمرد و علما را به آموزش شاگردان و توسعه و گسترش فرهنگ و دانش تشویق و ترغیب کرد.

از اواسط قرن دوم تا قرن چهارم هجری دوران طلایی تمدن اسلامی و دوران شکوه و پیشرفت وجوه مختلف فرهنگی و تمدنی مسلمانان محسوب می‌شود و مسلماً علم و دانش به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم و ارزشمند تمدن‌ساز تلقی می‌گردد که هم‌زمان با تحولاتی چون نهضت ترجمه و جذب علوم به ممالک اسلامی و ترجمه آثار مختلف و متعدد دانشمندان غیرمسلمان رهیافت نوینی در عرصه تمدن اسلامی ایجاد گردید و این تمدن را به‌عنوان یک انقلاب و حرکت بزرگ جهانی تبدیل کرد.

پیوند رجال سیاسی با شخصیت‌های دینی در نظام دولت‌شهر اشعریان موجب ایجاد فضای مناسبی

برای رشد و نمو علوم و دانشمندان شیعی شد. از علمای شاخص قرن چهارم ابوجعفر محمد بن علی بن حسین ابن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق محدث، فقیه و متکلم مشهور شیعه است که خدمت زیادی در ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام نمود. وی برای ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام از قم زادگاه خویش به شهرهای مختلف مانند ری، بغداد، سمرقند، سرخس، خراسان و جیحون سفر کرد و به تشکیل کلاس‌های حدیثی در خراسان و شهر مرو پرداخت.^۱ نجاشی درباره او می‌گوید:

وی از شیوخ و فقهای ما در خراسان بود که در سال ۳۵۵ هجری وارد بغداد شد. وی کتب بسیاری تألیف کرده، از آن جمله: کتاب *التوحید*، کتاب *النبوه*، کتاب *علامات آخر الزمان*، کتاب *اعتقادات*، *کمال الدین و اتمام النعمه*، کتاب *صفات الشیعه*، کتاب *فضل الشیعه* و غیره.^۲

شیخ صدوق به جهت فراوانی آثار به‌ویژه در موضوع کلام و تکامل اندیشه‌های او نسبت به شخصیت‌های متقدم، نماینده مکتب قم دانسته‌اند.

محمد بن عیسی بن عبدالله، از اصحاب امام رضا و امام جواد علیهم السلام که نجاشی از وی با عنوان «شیخ القمیین و وجه الاشاعره متقدم عند السلطان» یاد می‌کند.^۳ و احمد فرزند وی که از اصحاب امامان رضا، جواد و هادی علیهم السلام بود و نجاشی درباره‌اش نوشته است: «شیخ القمیین و وجههم و فقیههم، غیر مدافع و کان ایضاً رئیس الذی یلقی السلطان بها».^۴ دو تن از مهم‌ترین رؤسای قم بودند. اگرچه بعدها افرادی از خانواده‌های شیعی ایرانی، همچون خاندان بابویه، از موفقیت‌های علمی برجسته‌ای برخوردار شدند، و یا از میان طالبیان، نقبای ممتاز و ذی نفوذی ظهور کردند، اما به نظر می‌رسد همچنان غلبه و سیطره از آن خاندان اشعری بوده است.

بغداد به عنوان پایتخت عباسیان فضای چندان مساعدی برای ترویج تشیع نداشت. برخی از امامان شیعه امامی در این شهر در حالت تبعید و تحت نظر و محبوس به شهادت رسیده بودند و فضای اقتدار خلیفه حاکم در بغداد امکان هرگونه پویایی را گرفته بود. اما از زمان روی کار آمدن آل بویه و با اینکه قم قبلاً با تلاش اشعریان به عنوان یک مرکز مهم برای تشیع امامی محسوب می‌شد؛ اما فرصت‌های موجود در بغداد در سایه حکومت آل بویه برای ایجاد یک کانون امن و مساعد برای امامیه، فراهم گردید؛ پایتخت خلافت و موقعیت سیاسی ممتاز، مقرر فعالیت‌های نواب امام زمان علیهم السلام در عصر غیبت صغری، محل زندگی

۱. ابن بابویه، *الامالی*، ص ۱۰۳ و ۵۰۴.

۲. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۳۹۰.

۳. همان، ص ۹۰۵.

۴. همان، ص ۱۹۸.

عالمانی بزرگ، نزدیکی به نجف، کربلا، سامرا و بسیاری دیگر از اماکن مقدّس شیعیان، همه عواملی بود که در کنار نعمت امنیت در سایه آل‌بویه، از بغداد مرکزی ساخت که به تدریج، قم را برای مدتی به حاشیه راند، تا آنجا که آغاز سده پنجم را باید پایانی همیشگی بر حیات دولت‌شهر اشعریان دانست.^۱

در شهر قم بسیاری از علمای مشهور شیعه نشو و نمای علمی یافته‌اند. پیوند این شهر با ائمه، باعث شده بود تا علوم اهل بیت علیهم‌السلام در این شهر، بسیار گسترده و زیاد باشد تا جایی که برخی از بزرگ‌ترین صحابی ائمه علیهم‌السلام، مثل «یونس بن عبدالرحمن»^۲ و «زکریا بن آدم»^۳ قمی بوده‌اند. از جمله دیگر علما، علی بن حسین بن موسی «ابن بابویه قمی» که در اصطلاح نجاشی مشهور به «شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم و فقیههم» می‌باشد.^۴

نگرش حاکم بر فقه شیعی در قم نگرش اخباری‌گری بود. با پایان یافتن عصر حضور امامان علیهم‌السلام و آغاز عصر غیبت صغرا در سال ۲۶۰ ق، در چگونگی دست‌یابی به احکام شرعی، دو نوع نگرش پدید آمد. یک نگرش که امتداد خط‌مشی عصر حضور بود و بیشتر یاران ائمه بر آن بودند، متکی بر بسنده کردن به احادیث و عدم تجاوز از آن در دست‌یابی به احکام شرعی بود که بیشتر مورد توجه مکتب قم بود و می‌توان گفت که قم تا قرن چهارم کانون و محل پیشتازی مکتب اخباری‌گری بود.^۵ نگرش بعدی مکتب اصولی بود که در قرن چهارم با عنوان مکتب کلامی اصولی در بغداد با هدایت افراد شاخصی چون شیخ مفید شکل گرفت.

گسترش شیعه در اقصی نقاط جغرافیای جهان اسلام بر اثر عوامل مختلفی محقق گردید و زمینه‌های متعدد نیز در بسط بستر این گسترش مؤثر بود. اما دوام و پشتیبانی معنوی از این مکتب مستلزم چهارچوب‌های مشخص و قواعد اعتقادی بود که به واسطه علومی چون فقه، حدیث، کلام و ... تأمین می‌شد. قرن سوم و چهارم دورانی است که حضور فیزیکی امام در جامعه شیعی به پایان خود رسیده است و منابع و مراجع احکام پیروان این مکتب وارد فصل جدیدی شده و نخبگان و علمای دین برای پرکردن این شکاف آغاز به تدوین مبادی اعتقادی و فقهی کردند.^۶ تأسیس و اداره حوزه علمیه قم در میانه نیمه دوم سده دوم تا نیمه دوم سده چهارم؛^۷ تربیت نخبگان مذهبی، سیاسی، اجتماعی و علمی به عنوان

۱. نک: حیدر سرلک، *اشعریان و تأسیس نخستین دولت‌شهر شیعه*، ص ۶۰.

۲. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۴۴۶.

۳. طوسی، *رجال طوسی*، ص ۳۷۵.

۴. نجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۲۶۱.

۵. ن. ک: مادلونگ، *فرقه‌های اسلامی*، ص ۳۵.

۶. گرجی، *تاریخ فقه و فقها*، ص ۱۲۴.

۷. زهره کاشانی، *تاریخ حوزه علمیه قم از تأسیس تا سده چهارم*، ص ۴۵.

وارثین دانش برای نسل‌های بعدی که برای نمونه، **تاریخ قم** آنان را ۲۶۶ تن^۱ و **مکتب حدیثی قم** ۳۱۸ نفر برآورد کرده است.^۲

ایجاد نظام دیوانی

با گسترش سرزمین‌های اسلامی در عصر فتوحات، ضرورت‌ها و شرایط جدید، نیازمند ایجاد مؤسسات و دیوان‌های اداری بنا به اقتضات می‌گردید. خلافت عباسی با استفاده از الگوهای دیوانی به‌جامانده از امویان و همچنین کسب روش‌های جدید ایرانیان به تأسیس و گسترش نظام دیوانی خود دست زد. دولت‌شهر اشعری شیعه نیز بر اساس شکل مدیریت سرزمینی خود و هویت اجتماعی جدیدی که به‌صورت متفاوت از دستگاه خلافت به دست آورده بود، نیازمند توسعه فعالیت‌های سازمانی و دیوانی بود. آنها از همان قدم اول برای ایجاد پویایی همچنین مدیریت قدرت دست به ایجاد دیوان‌های متعددی با کارکردهای مختلف زد. شاید اولین واحد نشان دیوانی اشعریان ساخت شهرک اداری و سراهای مخصوص والیان و حاکمان در قم بود. آنها در پی این بودند تا فضای اداری و سازمانی و همچنین والیان حکومتی در بین مردم نباشد و برای ایجاد فاصله بین عموم جامعه مردم با آنها، سعی کردند منازل و مقام حاکمان و والیان منصوبه عباسی قم را که اصطلاحاً دار الوله می‌نامیدند در مناطق دیگری در محدوده منطقه‌ای کویر قم به نام کمیدان متمرکز نمایند.^۳ ساخت نهادها و ساختمان‌های اداری از قبیل دار الخراج برای کنترل دخل و خرج و مدیریت اقتصادی دولت‌شهر در منطقه چمکران قم ساخته شد و همانطور که ذکر شد سیستم آبیاری جدید قم با ایجاد و ارتقای قنات‌های جدید در راستای توسعه کشاورزی برای مدیریت اقتصادی دولت‌شهر آماده‌به‌کار شده بود. دیوان آب و دیوان خراج و ثبت مسائل مربوط به آن، نیاز به دبیرانی مجرب را ایجاب می‌کرد و با وجود غلبه عرب، هنوز تا هنگام نگارش **تاریخ قم**، نیمه دوم قرن چهارم، اصطلاحات بومی مربوط به دیوان خراج، دیوان برید و دیوان آب به زبان فارسی و تقویم یزدجردی در کنار تقویم قمری در قم معمول بود و در همه امور دیوانی و حسابرسی و انواع معاملات به کار می‌رفت. مردم قم بسیاری از آداب و رسوم ملی را حفظ کرده بودند و زندگی خود را با اجرای برخی از این مناسبت‌ها و اعمال و رسوم می‌گذراندند.^۴ اشعریان در کنترل نظام قضایی و انتظامی شهر به ایجاد زندان در داخل شهر نیز پرداختند.^۵

۱. اشعری قمی، **تاریخ قم**، ص ۳۵ - ۳۴.

۲. جباری، **سازمان و کالت و نقش آن در عصرنامه**، ص ۱۶۸ - ۱۵۹.

۳. اشعری قمی، **تاریخ قم**، ص ۱۲۱.

۴. همان، ص ۷۵، ۳۶۱، ۳۶۸ و ۴۱۱.

۵. نک: همان، ص ۱۲۴.

اهتمام به توسعه دفتر و دستک دیوانی و همچنین توسعه دامنه آن در بین عموم مردم با توجه به راه اندازی و ساماندهی امور اصناف و مشاغل، وجوه و شاخصه‌های کنش‌های اجتماعی اشعریان را در جامعه جدید به خوبی مشخص می‌نماید. همه اصنافی که لازمه توسعه بافت یک شهر است، در قم مشغول بوده و در **تاریخ قم** نیز به برخی از آنها اشاره شده است: بازاریان،^۱ چهارپاداران،^۲ کارمندان دولتی (نظامیان، حساب‌رسان و...)،^۳ لگام‌سازان^۴ فیلسوفان، مهندسان، منجمان، نساخان، وراقان، چاه‌کنان و برزگران.^۵ تمام واحدهای اقتصادی و تجاری مورد نیاز یک شهر با انسجام مدیریتی و نظام‌بخشی مناسب در قم مشغول به کار بوده است که هر یک نیز نهادی به‌عنوان متولی برای کنترل و نظارت بر عملکرد آنها داشته است که نشان از تمرکز عملیاتی سیستم اداری و دیوانی در این واحد شهری بود.

عرب (اشعریان)، عجم (بومیان ایرانی) و طالبیان (سادات) در قم در کنار یکدیگر و با تعامل و اتحاد زندگی می‌کردند^۶ و از اهل ذمه، علاوه بر زرتشتیان که ساکنان بومی قم بودند، یهودی و نصرانی نیز در قم وجود داشت.^۷ فرهنگ ایرانی - عربی بر شهر حاکم بود. استفاده از یک مکانیسم رفتاری مناسب با نگرش وحدت منافع اقشار مختلف برای حفظ تعادل اجتماعی دولت‌شهر و بقای حکومت خاندان اشعری از مهارت‌های مدیریتی آنها برای تداوم حیات سیاسی و اجتماعی بود که در سایه قانون و ایجاد سازوکارهای دیوانی و سلسله مراتب اداری منظم تحقق پذیرفت.

نتیجه

در طول تاریخ، شهرها گهواره تمدن‌ساز جامعه بشری بوده‌اند. هویت شهرها ایده گذر از زندگی بدوی و بهره‌گیری از شرایط مدرن است. پیشرفت‌های مهم مادی و معنوی بر مدار موجودیت و رشد شهرنشینی رخ می‌دهد و به عبارتی الگوهای پیشرفت معمولاً شهر پایه هستند و توسعه شهرها موجبات پیشرفت‌های متعدد را فراهم می‌سازند. اشعریان به‌عنوان اولین گروه اعراب مسلمان شیعی به ایجاد یک فضای شهری با الگوهایی برآمده از عصیبت قبیله‌ای پرداختند و با استفاده از منابع موجود و زمینه‌های پیشین منطقه قم و همچنین محور قراردادن یک هویت ایدئولوژیک (تشیع) موفق به تأسیس اولین دولت‌شهر بعد از

۱. همان، ص ۴۱۱.

۲. همان، ص ۴۱۳.

۳. همان، ص ۴۱۹ - ۴۱۸.

۴. همان، ص ۱۲۴.

۵. همان، ص ۳۵ و ۱۵۵.

۶. همان، ص ۲۵.

۷. همان، ص ۳۵.

گسترش اسلام در ایران شدند. آنها جایگاه اجتماعی بسیار قوی و محکمی در قم به دست آوردند. تأسیس حوزه علمیه قم، تربیت نخبگان سیاسی و مذهبی، پدیدآوری آثار مکتوب و تبلیغ و نشر تشیع از دستاوردهای بسیار مهم این خاندان در طول سه سده سیادت بر منطقه قم بود. این خاندان از نیمه اول قرن دوم واحد سیاسی - اجتماعی که در قالب یک دولت شهر و رهبری آریستوکراسی در قم به وجود آوردند و حاکمیت آنها بر قم بر مدار سلسله حاکمان همین خاندان بوده که از بین بزرگان و دانشمندان انتخاب می شدند.

آنها در جغرافیای قم با اینکه نفوذ سیاسی و اجتماعی را در دست داشتند؛ اما در برابر خلافت عباسی، مانند دیگر دولت‌های مشابه دوران چه در قالب استکفا و چه در قالب استیلا هیچ کرنش محضی نداشتند، این دولت شهر مشروعیت و رسمیت حکومتی از جانب دولت عباسی دریافت کرده بود؛ اما نمایندگان دستگاه خلافت در حد سفرا بودند و در ساختمان‌هایی در خارج از شهر سکونت داشتند. هم برای خلافت عباسی و هم برای اهل قم مشخص و روشن بود که در بسیاری از مناسبات سیاسی و اجتماعی، این خاندان بر اساس الگوهای رفتاری و مواضع شیعی عمل می کردند. البته اشعریان در پی قیام و راه‌اندازی اقدامات مبارزاتی علیه دستگاه خلافت نیز نبودند. آنها از هرگونه داعیه استقلال طلبی یا نافرمانی با انگیزه‌های سیاسی علیه خلیفه عباسی اجتناب می‌ورزیدند و با اینکه در ظاهر بیعت خلیفه بغداد را داشتند، اما به عنوان دولتی خودمختار عمل می کردند. گاهی هم رأساً اقدام به کاستن و یا تعدیل خراج سالانه می نمودند.

جامعه کوچک و نسبتاً مستقل اشعریان با شاخصه‌هایی از جمله ترویج زندگی شهرنشینی، توسعه دانش و مراکز علمی، رسمیت‌دهی به یک ایدئولوژی به عنوان مذهب رسمی و شناسنامه‌ای، اهتمام به توسعه تکنولوژی و تقویت بنیه اقتصادی و همچنین ترویج و نظام‌مند کردن سیستم دیوانی و اداری دستگاه حکومتی خود توانستند با برخی از سازمایه‌های تمدن‌سازی خود مسیر تداوم حیات سیاسی و اجتماعی خود را هموار سازند.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الاصحاح*، قم، نشر مؤسسه بعثت، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۲. ابن حزم، علی بن سعید، *جمهره انساب العرب*، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *مقدمه*، ج ۲، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ ۱، ۱۳۳۶، انتشار الکترونیکی ۱۳۹۰.

۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، **دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر**، المحقق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن خیاط، ابو عمرو خلیفه، **تاریخ**، تحقیق فواز، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۶. ابن ماجه، محمد، **سنن**، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، بی‌نا، ۱۹۵۲ - ۱۹۵۳ م.
۷. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، **تقویم البلدان**، ج ۱، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه، ۱۴۲۷ ق.
۸. ارسطو، **سیاست**، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۹.
۹. اشعری قمی، حسن بن محمد بن حسن سائب مالک اشعری، **تاریخ قم**، به کوشش محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۰. بلاذری، ابوالحسن أحمد بن یحیی، **فتوح البلدان**، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
۱۱. جباری، محمدرضا، **سازمان و کالت و نقش آن در عصر آنمه**، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
۱۲. جعفریان، رسول، **تاریخ گسترش تشیع در ری**، تهران، آستان قدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۷۱.
۱۳. حسینی قمی، محمد، **خلاصه البلدان**، به کوشش مدرس طباطبایی، قم، حکمت، ۱۳۹۶ ق.
۱۴. حسینیان مقدم، حسین و دیگران، **تاریخ تشیع**، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۱۵. حیدرسلرک، علی محمد و مهدی مهریزی، «اشعریان و تأسیس نخستین دولت‌شهر شیعه»، **شیعه‌شناسی**، ش ۳۹، ص ۸۰-۴۷، ۱۳۹۱.
۱۶. دلپاک، بهرام، «دولت شهر آتب و نگرشی بر تکامل فکری و سیاسی و اقتصادی آن»، **فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تاریخ**، سال دوازدهم، ش ۴۷، ص ۱۲۶-۱۱۳، تابستان ۱۳۹۶.
۱۷. دیانت، ابوالحسن، مدخل «ابوعبیدالله»، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۸. روحانی، سید سعید و فاطمه جان‌احمدی، **تاریخ تحلیلی صدر اسلام**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۴۰۱.
۱۹. زهره کاشانی، علی‌اکبر، «تاریخ حوزه علمیه قم از تأسیس تا سده چهارم (تحلیلی بر زمینه‌ها و عوامل پیدایش و شکوفایی)»، **دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی**، سال چهارم، ش ۸، ص ۷۴-۴۵، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۲۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، **تاریخ الأمم و الملوک**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.

۹۸ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۴، تابستان ۱۴۰۲، ش ۵۱

۲۱. طوسی، محمد بن حسن، *رجال طوسی*، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۲. فاستر، مایکل، *خداوندان اندیشه سیاسی*، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۲۳. فرای، ریچارد نلسون، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۴. کلبی، أبوالمنذر هشام بن محمد بن السائب، *نسب معد و الیمن الکبیر*، المحقق الدكتور ناجی حسن، بیروت، مكتبة النهضة العربية، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۸ م.
۲۵. گرجی، ابوالقاسم، *تاریخ فقه و فقها*، تهران، سمت، چ ۲، ۱۳۷۷.
۲۶. مادلونگ، ویلفرد، *فرقه های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر، چ ۲، ۱۳۸۱.
۲۷. مقدسی، محمد بن احمد، *احسن التقاسیم*، تصحیح علی نقی منزوی، تهران، مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۲۸. مهاجر، جعفر، *رجال الأشعریین من المحدثین و اصحاب الائمة*، قم، مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۹. نائینی اردستانی کجویی، محمد علی بن حسین، *انوار المشعشعین*، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، ۱۳۸۱.
۳۰. نجاشی، *رجال النجاشی*، التحقيق موسى الشيبيري الزنجاني، قم، جماعة المدرسين فی الحوزه العلمیه قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶
31. Britannica, T. Editors of Encyclopaedia, (2022, May 22), city - state, Encyclopedia Britannica. https://www.britannica.com/topic/city_state

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی